

بررسی و نقد سداسیة الايام الستة، اثر امیل حبیبی

نوشته: دکتر عزت‌الله ملاابراهیمی *

(ص ۲۰۵ تا ۲۱۱)

چکیده:

امیل حبیبی داستان‌پرداز، نویسنده، روزنامه‌نگار و سیاستمدار معاصر فلسطینی است که در فلسطین اشغالی به سر می‌برد. او در آثار خود تلاش فراوان دارد تا زندگی هموطنانش را در داخل سرزمینهای اشغالی بی‌کم و کاست به تصویر کشد. نگارنده در این مقاله بر آن است تا ضمن ارزیابی سبک هنری حبیبی از لابلای اثر معروفش با عنوان سداسیة الايام الستة (شش پاره از حوادث شش روزه) به معرفی دیدگاههای وی و ارزیابی سبک هنری و ادبی او بپردازد.

امیل حبیبی در آثار خود جهش بی‌سابقه‌ای به سوی ابداع شیوه‌ای نوین در ادبیات معاصر عرب برداشت. او طرحی نو در قالبی تازه درآفکند و از پیوند منطقی لفظ و معنا تابلویی سحرآمیز آفرید. از این رو نثر وی نمونه برجسته‌ای از ادب نوپای مقاومت به شمار می‌رود.

واژه‌های کلیدی: ادواری، مجله ادبی، سیاسی هفتگی، عثمانی، فلسطین.

شرح زندگانی امیل حبیبی

وی در ۱۹۲۱م در حیفا زاده شد. آموزش متوسطه را در مدارس حیفا و عکا به پایان برد. پس از تحصیل در شرکت نفت حیفا به کار اشتغال ورزید و در همان حال به طور مکاتبه‌ای تحصیلات عالی خود را در دانشگاه لندن و در رشته مهندسی

* عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

نفت دنبال کرد. در آغاز جوانی به وادی سیاست گام نهاد و برای سازماندهی مبارزات سیاسی تحصیلکردگان فلسطینی در ۱۹۴۱م با همکاری گروهی از دوستان خود «انجمن روشنفکران عرب» را بنیاد نهاد. او در اکتبر ۱۹۴۲ نیز باشگاه ملی حيفا را تأسیس کرد^۱.

امیل حبیبی در ۱۴ مه ۱۹۴۴م برای منعکس کردن دیدگاهها، اهداف و تشریح برنامه‌های ملی و سیاسی هموطنانش روزنامه‌ی الاتحاد را منتشر ساخت. این روزنامه پس از اشغال فلسطین در ۱۹۴۸م همچنان به همت وی در داخل سرزمینهای اشغالی به چاپ می‌رسد. او پس از ۱۹۴۸م ضمن پذیرش تابعیت اسرائیلی به عضویت حزب راکاح درآمد. گفتنی است که این حزب حقوق فلسطینیان را به رسمیت می‌شناسد و از برپایی دولت مستقل فلسطینی جانبداری می‌کند^۲.

امیل حبیبی از دومین دوره‌ی انتخابات کنیست (پارلمان اسرائیل) در ۱۹۵۲م به نمایندگی از سوی این حزب به پارلمان راه یافت و تا هفتمین دوره‌ی پارلمان در ۱۹۷۲م جمعاً به مدت ۱۹ سال در این سمت باقی ماند. وی در پارلمان اسرائیل به دفاع از حقوق ساکنان مناطق اشغالی برخاست و ضمن محکوم کردن توسل به زور و اعمال خشونت‌بار، در صدد یافتن راه‌حلی مسالمت‌آمیز برای زدودن بحران فلسطین برآمد^۳. همزمان با اوج‌گیری قیام مردمی فلسطین، امیل حبیبی قلم خود را در راه دفاع از انتفاضه و حمایت از آرمانهای ملت فلسطین به کار گرفت. او در ژانویه ۱۹۹۰م به دریافت نشان فرهنگ و هنر بیت‌المقدس نائل آمد. در همان سال وی انتشارات «دارعربسک» را در حيفا تأسیس کرد تا به انتشار آثار نویسندگان فلسطینی بپردازد. حبیبی در ۱۹۹۱م فعالیتهای سیاسی خود را به کناری نهاد و از آن پس تمام همت خود را در راه اعتلای میراث فرهنگی فلسطین مبدول داشت. او در کنار فعالیتهای گوناگون سیاسی و ادبی در وادی روزنامه‌نگاری نیز گام نهاد. افزون بر سردبیری نشریه‌ی الاتحاد وی صاحب امتیاز و سردبیر المهماز نیز بود. او در ماه اوت ۱۹۹۵م ماهنامه‌ی ادبی مشارف را در حيفا و بیت‌المقدس منتشر ساخت و تا پایان

عمر سردبیری آن را برعهده داشت. وی سرانجام در ۲ مه ۱۹۹۶م در ناصره وفات یافت و در حیفا به خاک سپرده شد.^۴

تألیفات امیل حبیبی

داستانها و مقالات بی‌شمار وی، نشریه‌های گوناگون الاتحاد، الغد، المهماز، الطريق بیروت و دیگر نشریات داخل و خارج مناطق اشغالی را آکنده است.^۵ افزون بر آن کتابهای زیر نیز از وی برجای مانده‌اند:

۱. أخطیة (نیکوزیا، ۱۹۸۵م). نویسنده در این رمان تلاش دارد تا با اسطوره‌پردازی، گذشته افتخارآمیز وطن را در اذهان هم‌میهنانش تداعی سازد؛
۲. باقی فی حیفا، مشتمل برگزیده‌های ادبی وی که از نشریه الاتحاد برگرفته شده‌اند؛
۳. بوابة مندلباوم؛ ۴. سداسیة الايام الستة (بیروت و حیفا، ۱۹۶۹م)؛ ۵. سراپا بنت الغول (لندن، ۱۹۹۲م)؛ ۶. فی الذکری العشرین لمجزرة کفر قاسم (حیفا، ۱۹۷۶م)؛ ۷. قدرالدنيا (حیفا، ۱۹۶۲م)؛ ۸. لکع بن لکع (بیروت و ناصره، ۱۹۸۰م)، این اثر نمایشنامه‌ای منظوم و تجسمی از زندگی اعراب مقیم سرزمینهای اشغالی است؛ ۹. مرثیة السلطعون (حیفا، ۱۹۶۷م)؛ ۱۰. نحو عالم بلا اقصاف (حیفا، ۱۹۹۳م)؛ ۱۱. النورية (حیفا، ۱۹۶۳م)؛ ۱۲. الوقائع الغربية فی اختفاء سعید ابی النحس المتشائل (حیفا، ۱۹۷۴م). این کتاب در ۳ بخش و ۲۰ حکایت به سبک مقامات بدیع‌الزمان همدانی نوشته شده و با اشعاری از ابونواس و متنبی و حکایاتی از هزار و یک شب درآمیخته است. نویسنده در بخش نخست به کنکاش در ذهنیت عرب فلسطینی و بیان طرز تفکر وی می‌نشیند و سیاست نادرستی را که به شکست آنان و اشغال میهنشان انجامید، بازگو می‌کند. در بخش دوم وی خواننده را از کابوس می‌رهاند و روحیه مقاومت و حفظ هویت عربی را در کالبدش می‌دمد و سرانجام در بخش سوم کتاب، اندیشه تن‌دادن به مبارزه مسلحانه را توسعه می‌دهد و قهرمان داستان را در برابر آنچه که موجبات آوارگیش را فراهم ساخته، می‌شوراند. قهرمان داستان شخصیت دوگانه‌ای را در برخورد با نظامیان اشغالگر در

پیش می‌گیرد، که گاه از سر حکمت و نرمش است و گاه با اطاعتی کورکورانه توأم گشته است. اما در نهایت به استقامت و پایداری می‌انجامد. آثار امیل حبیبی به اکثر زبانهای زنده دنیا ترجمه و بارها تجدید چاپ شده است.^۶

امیل حبیبی در وادی ادب

نویسنده از سلاح برنده ادب برای بسیج توده‌ها و دمیدن روح پیکار در آنان بهره می‌جوید. وی به عنوان بزرگترین داستان‌پرداز فلسطینی در شرایطی به آفرینش شاهکارهای ادبی خود دست زد، که اقلیت عربهای مقیم اسرائیل از حداقل حقوق انسانی بی‌بهره بودند. تلاشهای فراوانی برای نابودی، اضمحلال و گسستن پیوندشان با فرهنگ و تمدن فلسطین صورت می‌گرفت.^۷ با این همه، امیل حبیبی اقامت در میهن اشغالی و به جان خریدن سختیها را به ترک وطن ترجیح داد و آن را سمبل مقاومت و پایداری دانست. او که به خوبی با زندگی طاقت‌فرسای فلسطینیان آواره، که در دیگر کشورهای جهان به سر می‌برند، آشنا بود، پیوسته در آثار ادبی اش، مردم را به حفظ خانه و کاشانه خود و اقامت در سرزمینهای اشغالی ترغیب می‌کرد.^۸ امیل حبیبی که همچون دیگر فلسطینیان، همواره از شبیحی که بر میهنش سایه افکنده، بیمناک بود، تلاش کرد تا در آثار هنری خود از جمله سداسیة الایام الستة، آلام هم‌میهنانش را به تصویر کشد و از اندوه بی‌پایان، آرزوهای بر باد رفته و سختیهای جانکاهی که از رهگذر اشغال‌گریبانگیر آنان شده، پرده بردارد. اما تنها با انعکاس حقایق بر صفحات کاغذ روح بلند پرواز این نویسنده ارضا نمی‌گردد، بلکه او گام فراتر می‌نهد تا بر ویرانه‌های تفکر ارتجاعی عرب، اندیشه‌های توراتی را بنا سازد. از این رو امیل حبیبی با سبکی واقع‌گرا و سمبلیک به ابعاد گوناگون مسأله فلسطین می‌نگرد تا شخصیتی عربی را که در جامعه‌ای فاجعه‌انگیز جوانه زده و بالیده، بی‌پیرایه و در همان قالب اصلی خویش ترسیم کند. به گونه‌ای که هم خوش‌بینی و هم بدبینی، هم نرمش در برابر قدرت حاکم و هم وفاداری به آرمانهای وطن در آن نهفته باشد.^۹

سداسیه الایام الستة

این اثر مشتمل بر ۶ داستان کوتاه با عنوانهای حین سعد مسعود باین عمه، اخیراً نور اللوز، ام الرویابیکلا، العوده، الخرزة الزرقاء و عودة حبیبه و الحب فی قلبی است.^{۱۰} مجموعه این داستانها را فضای فلسطین در جنگ ژوئن ۱۹۶۷ م به هم پیوند می‌زند. نگارنده در آنها از زوایای گوناگون به این موضوع نگریسته و تلاش دارد تا تأثیر روانی جنگ را بر اعراب مناطق اشغالی ترسیم کند. بدیهی است که بر این فضای آشفته عواطف انسانی متضادی نیز حاکم است؛ محبت با نفرت، یأس با امید، ترس با دلآوری در می‌آمیزد. در نتیجه ذهنیت نویسنده به موضوع اصلی داستان راه می‌یابد و با دقت و ژرف‌نگری تمام به بررسی زوایای گوناگون جامعه فلسطینی می‌پردازد. هر چند در این راه تراژدی غم‌انگیزی را به نمایش می‌گذارد، اما تجربه‌های فردی وی در سداسیه الایام الستة به طور پیشرفته‌ای تبلور می‌یابد. چندانکه نویسنده را در تبیین جنبه‌های عام انسانی، توصیف حماسه دلاوریها و ترسیم پیوند عاطفی هموطنانش با مسأله زمین (وطن) توانا می‌سازد.

حبیبی در سداسیه الایام الستة با ریشه‌یابی علتها و ترمیم خرابیها تلاش دارد تا حصار اجتماعی تحمیلی را درهم شکنند. شاید بدینسان اندوه ساکنان مناطق اشغالی، اندکی تخفیف یابد و شعله‌های امید در کالبد بی‌جانشان زبانه کشد. از این رو به رغم خسارتهایی که فلسطینیان در جنگ ژوئن ۱۹۶۷ م متحمل گشته‌اند، نویسنده تعمداً شمه‌ای از فواید جنگ را برمی‌شمارد و سرانجام هنرمندانه موفق می‌شود بر قامت انسان نوید فلسطینی، لباس فدائی جان‌برکفی را بپوشاند. البته نویسنده اطمینان می‌دهد که این تحول درونی ناشی از معجزه یا تصادف نیست، بلکه اوضاع نابسامان جامعه فدائیان را به گسترش دامنه مبارزات سوق داده است.^{۱۱}

حبیبی از قهرمانان سداسیه الایام الستة انتظار دارد تا سرسختانه به دفاع از حقوق مظلومانی برخیزند، که برای زیستن در وطن بهایی سنگین پرداخته‌اند و صبورانه جام کشنده غربت، آوارگی، تهاجم و تبعیض نژادی را نوشیدند. حبیبی

مایل است تا آتش مبارزه و نبرد همچنان فروزان ماند. از این رو با تداعی خاطرات خوش گذشته، قهرمان داستان را به جستجوی هویت گمشده خویش را دارد. نویسنده که از زدودن جلوه‌های تمدن و فرهنگ فلسطین سخت هراسیده، تلاش دارد تا تمثال وطن اشغالی را با همان اسامی، سنتها، اعتقادات و نشانه‌های عربی در تابلوی هنری خویش حکاکی کند، تا بدین وسیله اصالت هموطنانش محفوظ گردد.^{۱۲}

امیل حبیبی در سداسیة الايام الستة، فراوان از میراث کهن عرب سود جسته است.^{۱۳} قرآن ارزنده‌ترین منبع الهام اوست، چه آن را محور و اساس زبان عربی می‌داند. او تلاش دارد تا اسلوب نگارش خود را به آثار نویسندگان کهن عرب چون جاحظ و ابن عبدربه نزدیک سازد. هر چند در میان ادبای معاصر مصطفی رافعی بیش از دیگران نظر حبیبی را به خود جلب کرده است؛ با این همه نمی‌توان تأثیر پژوهشگران برجسته مصری و لبنانی چون طه حسین و مارون عبود را در تکامل هنر و اسلوب او نادیده انگاشت.^{۱۴}

فضای حاکم بر جامعه فلسطینی، حبیبی را وامی‌دارد تا برای بیان مقصود خویش از لحنی صریح بهره‌برد او به اسطوره‌پردازی روی آورد. از این رو در آفرینش اثر هنری خود و شخصیت‌پردازی قهرمانانش فراوان از فرهنگ عامیانه و حکایتهای مردمی سود جسته است. او نثر سداسیة الايام الستة را با اشعار، ضرب‌المثلهای نوادر عربی در می‌آمیزد تا هر چه بیشتر مقبول خوانندگان افتد. حبیبی در بازی با الفاظ از خود استادی نشان می‌دهد و برای تثبیت مفاهیم داستانش از آرایه‌های ادبی چون جناس، اشتقاق و سجع مدد می‌گیرد تا اثر هنری خود را در قالبی دلنشین عرضه نماید. نویسنده به‌گزینش واژه‌های اصیل عربی سخت اهتمام می‌ورزد، گویا در نظر دارد تا به الفاظ نامأنوس اما آهنگین و پرایقاع جانی دوباره بخشد و به یاری آنها در دریای بیکران اندوه شنا کند. چه موسیقی کلمات به قهرمان داستانش صبری توصیف‌ناپذیر می‌بخشد تا تحولات درونیش را صادقانه به نمایش گذارد.

پانوشته‌ها:

۱. حماده، محمد عمر. اعلام فلسطين، دمشق، ۱۹۸۵م، ج ۱، ص ۳۶۵ / ابوسطر، احمد عطيه، الرواية في الادب الفلسطيني، بغداد، ۱۹۸۰م، ص ۲۸۸؛ سماره، سميع، العمل الشيوعي في فلسطين، بيروت، ۱۹۷۹م، ص ۲۴۷.
۲. شاهين، احمد. موسوعة كتاب فلسطين، دمشق، ۱۹۹۲م، ص ۷۷-۷۸ / قهوه چي، حبيب، احزاب اسرائيل، دمشق، ۱۹۸۶م، ص ۲۳۹.
۳. مشارف، حيفا، ۱۹۹۶، ش ۶، ص ۲۸؛ محاضر الكنيست، به كوشش طه ياسين، بيروت، ۱۹۷۲، ص ۹۷۰.
۴. شاهين، همان منبع، ص ۷۸ / مشارف، ص ۳۰، حافظ، صبري، «اميل حبيبي و سرد احياء الذاكرة الفلسطينية»، الدراسات الفلسطينية، بيروت، ۱۹۹۶م، ش ۲۷، ص ۱۱، ۱۱۴.
۵. مشارف، ص ۳۰، الكرمل، بيت المقدس. ۱۹۸۹م، ش ۱، ص ۱۸۱.
۶. حافظ، همان منبع، ص ۱۱۵؛ خطيب، حسام، «حركة الترجمة الفلسطينية في القرن العشرين حتى عام ۱۹۸۵م»، موسوعه خاص، ج ۵، ص ۲۷۷.
۷. ابومطر، همان منبع، ص ۲۹۲؛ عبدالغني، مصطفى، نقدا الذات في الرواية الفلسطينية، قاهره، ۱۹۹۴م، ص ۱۲۳-۱۲۴.
۸. حبيبي، اميل، سداسية الايام الستة، حيفا، ۱۹۶۹م، ص ۱۰۰؛ همو، المتشائل، حيفا، ۱۹۷۴م، ص ۹۸.
۹. حبيبي، سداسية الايام الستة، ص ۳۱ به بعد.
۱۰. همان منبع، ص ۹
۱۱. همان منبع، ص ۱۰۱
۱۲. همان منبع، ص ۳۰، ۸۹ - ۹۱؛ نيز نك: حبيبي، اميل، «اخرجوا الشوك»، الدراسات الفلسطينية، بيروت، ۱۹۹۵م، ش ۲۵، ص ۱۹۵.
۱۳. همان منبع، ص ۸۱.
۱۴. دراج، فيصل، اميل حبيبي، «الوجه المفقود في الاقنعة المتعددة»، الابداع، بيروت، ۱۹۹۵م، سال ۱۲، ص ۷۶؛ وادي، فاروق، ثلاث علامات في الرواية الفلسطينية، بيروت، ۱۹۸۱م، ص ۹۵-۹۶.